

## «داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی» تأملی انتقادی در روش، محتوا و مدعای اثر

قدیر نصری\*

### چکیده

تامل در باب کار و فکر داعش و دیگر گروه‌های مشابه اهمیت حیاتی دارد. مجموعه آثار تولید شده در باب این گروه را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: آثار گزارشی یا روایی و آثار پژوهشی یا تاملی. کتابی که در این مجموعه واری می‌شود در عداد کتب و آثار تاملی است که نویسنده آن به سیاقی نظری به تفحص در بطن افعال و افکار داعش می‌پردازد. در شرایطی که برخی محققان داعش را یک سانحه و بعضی آن را یک برنامه‌ای سنجیده می‌نامند نویسنده ای بنام بختیار علی سخن تازه‌ای می‌گوید. به باور او داعش و کارهایش، تازگی ندارد. برای این که داعشیان کاری را می‌کنند که بعثی‌ها و اعضای القاعده کرده‌اند و گروه‌های بالقوه دیگر خواهند کرد! وی این کارهای دهشتبار و ادعاهای زمانپیش را به هویت پرستی ازلی‌گرا و جاودانه نسبت می‌دهد و بر آن است که مقوله‌ای بنام عقل شرقی، سرچشمه‌ی این خشونت‌هاست. او ماهیت و مکانیسم این مفهوم ابداعی را شرح نمی‌دهد اما با تمرکز روی هویت ستایی یا هویت پرستی جنون آمیز تحلیل جدیدی از داعش بدست می‌دهد که در میان اقسام تحلیل‌های مطروحه، شایان توجه است. آنچه در ادامه می‌خوانید شرح نظر بختیار علی و البته نقد روش و داوریه‌های او است که به سیاق نقد متون علوم انسانی انجام یافته است.

**کلیدواژه‌ها:** خشونت شرقی، عقل فاشیستی، رهایی بدون رهایی بخش، خشونت رادیکال.

### ۱. مقدمه

روایت غالب در پدیداری داعش این بوده است که گروهی زخم خورده و ملتزم به تفسیر قشری شریعت، با بهره‌گیری از فروماندگی دولتهای مقتدر منطقه و نیز در پی

\* عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی، nasrister@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۵

عقب‌نشینی ایالات متحده از عراق (۲۰۱۴) سودای خلافت کرده، با فراخوانی مجاهدان جهان به جهاد فی سبیل‌الله و هجرت به سرزمین خلافت، میلیون‌ها مسلمان را آواره کردند تا اسلام مورد نظر خود را احیا کنند. در این میان به نقش دولتهای رقیب در منطقه هم اشاره می‌شود که برای به شکست کشاندن رقیب، عمق استراتژیک همدیگر را هدف قرار دادند و منطقه شامات و بین‌النهرین به میدان نقش‌آفرینی چندین دولت دور و نزدیک بدل گردید. اما یک متفکر نکته‌سنج و دغدغه‌مند به نام بختیار علی (۱) در کتاب «داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی» روایت دیگری از ماجرا دارد و آنچه در پی می‌خوانید شرح روایت ایشان و تأملی انتقادی بر روش و یافته و انسجام این روایت بکر و جذاب می‌باشد. بنابراین، برای پرسش دادن صحیح و منصفانه موضوع، سعی می‌شود در قالب چهار پرسش متعارف در نقد نظر (Idea Review)، سخن مرکزی بختیار علی توضیح و مورد ارزیابی قرار بگیرد. آن‌چه در ادامه می‌آید تأملی انتقادی در محتوا و شکل کتاب بختیار علی می‌باشد:

## ۲. دغدغه و یافته‌ی اصلی بختیار علی چیست؟

با تأمل در دقایق کتاب «داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی» می‌توان چهار عبارت زیر را به عنوان یافته یا سخن مرکزی نویسنده‌ی کتاب قلمداد نمود:

الف: خشونت داعشی مانند خشونت‌های بعثی‌ها، القاعده و حتی ناسیونالیست‌های ترکیه، یک سرچشمه دارد: تأکید دیوانه‌وار بر هویت و آرزوی جدایی من از دیگران. به باور بختیار علی، این تأکید بر جدایی و تبعید دیگری از نزد خود، متعلق به امروز یا دهه‌ی اخیر نیست بلکه یک‌صد سال است که سایه به سایه با شرقی‌ها زندگی می‌کند و فقط رنگ و عنوان عوض می‌شود یعنی به فراخور مناطق و زمانه، لعاب دینی، ناسیونالیستی، مارکسیستی و یا لیبرالیستی به خود می‌گیرد.

ب: داعش، بازیگری قدرتمند نیست بلکه بازیگری سیال است که از حضور دیگری وحشت دارد. این بازیگر وحشت‌زده، نمی‌تواند با عقد قرارداد، دیگری را بپذیرد فقط با انحلال دیگری یا تسلیم و تحقیر «دیگری» است که به حیات خود ادامه می‌دهد. چنین حسی محدود به داعشی‌ها نیست. ناسیونالیست‌ها نیز اینگونه‌اند. تعریف کردن خود با هویت دینی / قومی سوخت ماشین خشونت است که در سده‌ی اخیر شرق را فراگرفته است. از این رو، به باور بختیار علی، داعش را نمی‌توان با موشک و یورش نظامی نابود کرد، داعش هنگامی از بین می‌رود که تفکر فاشیستی (بیگانه دیدن پیروان دین، مذهب و

قوم دیگر) از بین برود یعنی تا زمانی که دیگران را بیگانه می‌بینیم، اسیر عقل فاشیستی هستیم. عقل فاشیستی تأکید می‌کند که من، شبیه تو نیستم و ما دو چیز متفاوت هستیم. تقدیس جنون‌آمیز تفاوت، منشأ جدال‌های بی‌پایان شده و یگانه راه ختم آن، ساختن جبهه‌ای علیه فاشیسم است. فاشیسمی که فردیت انسان‌ها را به نفع علایق استراتژیک بنیادگرایانه، پان‌ترکیسم، پان‌عرب‌یسم، سکولاریسم و لیبرالیسم مصادره می‌کند.

پ: مدرنیته به عنوان نیرویی ساختارشکن و سنت‌زدا که هویت‌های ثابت و بسته را زیر و رو کرده و سبب شورش حامیان و حاملان هویت‌های پیشامدرن شده است، سومین سخن مرکزی بختیار علی به شمار می‌آید. بدین مضمون که مدرنیسم همه چیزهای ثابت و همیشگی را به هوا می‌فرستد و با ورود این ایدئولوژی به شرق، دو نوع هویت رویاروی هم قرار می‌گیرند: هویت ثابت که ازلی، جاودانه، لایتغیر، تاریخی و باشکوه قلمداد می‌شود و هویت سیال که به صورتی سیال، لحظه‌ای، متغیر و گشوده است می‌تواند بنا به شرایط و مقتضیات، با هویت‌های دیگر رابطه‌ای دوستانه داشته باشد (ص ۳۳). به باور بختیار علی، مدرنیسم سیال، هویت‌های ثابت را به چالش خوانده است. هویت‌گرایان نمی‌توانند با مدرنیته و بدون مدرنیته زندگی کنند. (Liab greenfield, 2000: 607)

ج: ابتذال لیبرالیسم و مدرنیسم در شرق موجب تمدید سلطه و تشدید خشونت شده است. در نگاه بختیار علی، مدرنیسم و لیبرالیسم شرقی، اصلاً اصیل نیست و به جای رهایی‌بخشی، فقط خشونت را دامن می‌زند. حزب سیاسی در شرق یک دستگاه امنیتی است، انتخابات، اقتدار بیشتری به دولت می‌دهد و به طور کلی عقلانیت لیبرال، شکل جدیدی از فاشیسم است که موجب عوارض زیر شده است:

- رسانه‌های پیرو فرهنگ توده / عوام
- دور کردن کودکان از خانواده و تبدیل آنها به ماشین مصرف
- مرگ احساسات شاعرانه و خیال در زندگی
- کنترل وحشتناک جسم
- حیران نمودن زنان
- در بند کردن انسان با قانون
- تحمیل سرمایه‌داری و معرفی آن به عنوان وضعیتی طبیعی و عادی
- گسترش نژادپرستی و رویارویی انسان‌ها، شهرها و گروه‌ها در برابر هم

- وداع با مخالفت رادیکال و جایگزینی آن با فرهنگ گفتگو  
بختیار علی در مطالب فوق، عمیقاً و صریحاً از منظر یک انقلابی رادیکال و از پشت  
عینک اسلاوی ژیزک به تحلیل و تجویز می‌پردازد و گروهی مثل داعش را ادامه‌ی  
طالبان، هیتلر، نوریه‌گا (در پاناما) و القاعده می‌شمارد که مازاد و مولود همین نظام  
سرمایه‌داری است و سرمایه‌داری غربی، اکنون می‌خواهد داعش را مانند یک سرهنگ  
فراری دستگیر کرده، مجازات نماید و در این عملیات، تمام کوشش نظام سرمایه‌داری  
این است که به گونه‌ای تبلیغ نماید که کسی متوجه نشود. در واقع، سرمایه‌داری  
می‌خواهد با فدا کردن طالبان، القاعده، داعش، صدام حسین و .. خود را یک فریادرس  
و منجی نشان دهد.

### ۳. چه مطالبی از کتاب بختیار علی آموختیم؟

بعد از روایت دغدغه‌ی مرکزی کتاب «داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی»،  
اکنون نوبت به پرسش دوم می‌رسد. این پرسش از آن رو اهمیت دارد که نماگر «انصاف  
در داوری» است. بدین معنا که ناقد، شأن یک سنجش‌گر را دارد و وظیفه‌ی سنجش‌گر  
نه فقط افشا و مطایبه که اذعان به تمایزهای اثر نیز هست. بر این اساس، آنچه نگارنده  
به عنوان نکته‌های بدیع در کتاب بختیار علی یافته است بدین قرارند:

آموخته‌ی یکم: فراروی و عبور از وقایع‌نگاری / شروع تأمل و پردازش نظری  
کتاب بختیار علی، عبارات نغز و پرمعنایی دارد. او هرگز اهل توصیف و روایت و  
مشتاق ارجاع نیست. شاید در کل کتاب او، ۱۰ رفرنس هم دیده نمی‌شود. او بعد از  
گردآوری داده‌های عینی، مخاطب را بر سر سفره‌ی نظریه و یافته‌ی خود می‌نشاند و  
نشانی‌های متعدد و انبوه و متعارض نمی‌دهد.

آموخته‌ی دوم: طرح این ایده‌ی نو: هویت‌پرستی و تقدیس تبار خود متضمن طرد و  
تحقیر دیگری است.

بختیار علی با ذکر مواردی مکرر، از تلاش گروه‌های تکفیری، بعضی‌ها، ناسیونالیست‌ها،  
فاشیست‌ها و داعش بر این عبارت مهم صحنه می‌گذارد که هویت‌جویی افراطی، ذاتاً  
موجب فاصله‌گیری از دیگری و تحقیر او می‌شود بدون آن که دیگری یا رقیب را از  
حیث فیزیکی نابود کند. بدین ترتیب هر خشونت و طردی سبب فشرده شدن کین  
توزی و عزم کین‌توزان برای انتقام در هنگامه‌ی مساعد می‌شود. (Stephen Reicher

& Nick Hopkins, 2001 : 62)

آموخته‌ی سوم: اتصال دادن ظهور داعش به بدکارکردی نظام سرمایه‌داری حضور فعال ایده‌های اسلاوی ژیتک در جهان فکری بختیار علی بسیار آشکار و عمیق است. بختیار علی با استناد مکرر به کتاب «خشونت: پنج نگاه زیرچشمی»، «از نشانگان خود لذت ببرید» و دیگر آثار ژیتک، صریحاً از سخن مرکزی ژیتک (ضرورت بازگشت به کمونیسم از طریق استراتژی ایستادگی و خشونت انقلابی و یورش واقعی علیه سرمایه‌داری) دفاع می‌کند و داعش را یک سرهنگ فراری از پادگان نظامی سرمایه‌داری می‌شمارد. فارغ از قوت و ضعف سخن ژیتک و استناد بختیار علی به آن، نفس استوارسازی بحث بر یک چهارچوب نظری، از حیث روش‌شناختی ارزشمند است. آموخته‌ی چهارم: کاربردی نظریه‌ی معروف دریدا (رهایی: بدون رهایی‌بخش) برای تبیین وقایع کوبانی

در مورد وضعیت ویژه‌ی کوبانی، در شمال سوریه، داوری‌های ویژه و بدیعی صورت گرفته است. کوبانی (۲) از موقعی زبازد شد که در معرض حمله نیروهای داعش قرار گرفت. داعش که به شیوه‌ای خشونت‌بار شهرها را یکی پس از دیگری می‌گشود، کوبانی را هم منطقه‌ای مهم می‌شمرد و بر آن بود که این شهر را نیز بر فتوحات خود اضافه کند. این شهر در شمال شرقی استان حلب و درست در مرز ترکیه و کناره‌ی شرقی فرات واقع شده است و تصرف آن در برنامه داعش بسیار حیاتی بود چون موجب رهایی داعش از محاصره می‌شد و آن را به مرزهای ترکیه می‌رساند. مقاومت جمعیت ۵۰ هزار نفری - به خصوص نقش ممتاز زنان در این ماجرا - کوبانی را به نهادی از مقاومت اجتماعی و و کانتونی بدون تبعیض بدل ساخته بود. بختیار علی در کتاب «داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی»، در جواب منتقدی به نام مریوان وریاقانع، مخالف تابوسازی کوبانی است و در پاسخ به مریوان وریاقانع که کوبانی را «تحقق آرمان شهر مطلوب ناسیونالیستی» (ص ۹۳) می‌شمارد، تصریح می‌کند که باید از ایده‌ی ژاک دریدا در نظریه‌ی «رهایی بدون رهایی‌بخش» یا (Messianisch ohne Massias) بهره گرفت. معنی این نظریه این است که شخص رهایی‌بخش یا فریادرس هیچ وقت ظهور نمی‌کند و به نزد ما نمی‌آید. انتظار کشیدن برای رهایی‌بخش، از آمدن و ظاهر شدن او باارزش‌تر است. مسیحا، رهایی‌بخش یا فریادرس تا زمانی ارزشمند و دلگرم‌کننده است که نیامده باشد و «از ما دور باشد و ما منتظر او باشیم. هرگاه ظاهر شود و بگوید من مسیحا هستم، در این لحظه به پایان خود به عنوان یک مسیحا می‌رسد و مسیحا همان فریادرس است که نباید بیاید (ص ۹۲). به باور بختیار علی،

مسیحا یا رهایی‌بخش تا آنجا معنا خواهد داشت که فرم تاریخی به خود نگیرد و در پروژه‌ی حزبی و ملی و مذهبی برجسته نشود (ص ۹۳). دریدا، رهایی‌بدون رهایی‌بخش را یک وعده یا پیمان (Versprechen) می‌بیند نه یک برنامه. در حالی که از دید بختیار علی، افرادی مانند مریوان وریاقانع، آن وعده را بدل به برنامه می‌کنند و کارکرد امیدانگیزی را از آن می‌گیرند.

به نظر می‌رسد کوشش بختیار علی برای درک و کاربست این قسم نظریات برای فهم موضوعاتی چون کوبانی، فی‌نفسه ارزشمند است. بحث دریدا و نیز بختیار علی در باب منتظر بودن و نیندیشیدن برای افق انتظار، از حیث تأملات ذهنی و فرارفتن از بحث‌های صرفاً عینی ارزشمند است و آموزنده.

#### ۴. با کدام یک از مطالبی که در بختیار علی آموختیم، موافق هستیم؟

همان گونه که پیشتر عنوان شد سومین مرحله از نقد یک اثر این است که موارد موافقت ناقد با اثر مورد بررسی آشکار شود. این پرسش نماگر تعظیم و تکریم اثر و نظر در نگاه ناقد است. در نخستین سطور این مقال تصریح کردیم که معنای اصلی و نخست نقد، «سنجیدن» و تعیین عیار و ارج اثر است نه تخریب یا تحقیر نظر و خالق آن. بر این اساس، نگارنده‌ی این سطور حداقل پنج گفته و گزاره‌ی زیر را از بختیار علی آموخته و با آنها موافق و همسو می‌باشد. موارد قابل تأیید در کتاب بختیار علی عبارتند از:

هویت‌پرستی به مثابه‌ی موتور محرکه فاشیسم و فاصله‌گیری فزاینده از «دیگری» باور به وجود یک «دیگری بزرگ» و تلاش برای حذف، طرد و اخراج آن. تبدیل سیاست به «گزارش یک ترس شدید درونی» و کشتن دیگری به حکم یک ترس درونی

انهدام و بلا موضوع ساختن تفاوت به عنوان مقدمه‌ای برای تولید انسانی طراز نوین اصالت جنگ برای زندگی / تصنعی بودن جنگ برای ایدئولوژی  
بختیار علی به جای مطالعه‌ی خشونت‌های موردی، در نگرشی کلان خشونت در شرق را زاده‌ی ساختاری سراسری و جهانی می‌شمارد. او سرمایه‌داری غربی را مولود عقلانیت علمی و تکنولوژیک می‌شمارد و تاریخ غرب را متمایز از شرق می‌داند. اما سرمایه‌داری شرقی، در نگاه بختیار علی، «زمینه‌ی تکنولوژیک و عقلانی ندارد که بتواند پروسه‌ی در هم شکستن و بازسازی هویتی را برایش فراهم کنند. به همین خاطر

(کاپیتالیسم شرقی) پیوسته به توقف، عدم تغییر، تقلید و تکرار وابسته است. در مدرنیسم شرقی، هیچ پل ارتباطی وجود ندارد که تفاوت‌ها و هویت‌های مختلف را به هم نزدیک کند بلکه، برای انسان‌ها، تنها قفل و درهای بسته دارد. هویت ملی، قبیله‌ای و دینی خشونت‌خواه، وحشت‌زده و بسته، تنها محصول یک قرن فعالیت مدرنیسم شرقی است. داعش حاصل و نتیجه‌ی طبیعی و تدریجی چیزی است که مدرنیسم شرقی صد سال است آن را تولید می‌کند و هر بار به شیوه و ماهیتی دوباره به میدان می‌فرستدش. فاشیسم داعشی، اتحاد فاشیسم غیر سکولار و سکولاریسم در فرم جدید است» (ص ۱۹).

بختیار علی در فرازی دیگر، هراس از نابودی به دست دیگری را سرچشمه هویت‌خواهی و نفی دیگری و کشتار آن می‌داند و تصریح می‌کند: «گفتمان بقا از گفتمان یک نیرو و گروهی خاص تبدیل به گفتمان تمام نیروها می‌شود. فویبای نابود شدن از فویبای یک ملت ضعیف، تبدیل به فویبای همه‌ی ملت‌ها و همه‌ی هویت‌ها می‌شود... در اینجا دیگر هویت نوعی از جهان‌بینی نیست. شناسنامه‌ای دینی یا فرهنگی نیست بلکه وحشتی همیشگی است. ابزاری وحشت‌زده است که تنها از راه جنگ و خونریزی و از طریق به بیرون افکندن خود می‌تواند به زندگی ادامه دهد و زنده بماند (همان ص ۲۰). طبق توضیح بختیار علی، در قالب چنین برداشتی، هویت به موتور محرکه و رانه‌ای اساسی بدل می‌گردد و با تأکید بر صفاتی چون ابدی - ازلی بودن، بی‌پایان بودن، ثابت، آسمانی و کهن‌بودگی به سلاحی وحشت‌بار تبدیل می‌شود. این هویت نامیرا «سوژه‌های ترسان را آرام و آنها را تبدیل به بخشی از پروسه‌ی سیاسی می‌کند. پروسه‌ای که از آنها سوژه‌های تسلیم شده می‌سازد. سوژه‌ای که از طریق ارتباط با نیرویی ابدی و جاودان، بر ترس خود فائق خواهد آمد. از طریق توهم جاودانه بودن، سوژه‌ها تسلیم آن ابزاری می‌شوند که آنها را فرا می‌خواند. در اینجا، دیگر نشانی از مرگ نیست. سوژه‌ی فاشیستی، تا حدودی بر این باور است که با بخش جاودان جهان پیوند خورده است، به همین خاطر به سادگی به قتل می‌رساند و به آسانی نیز تسلیم مرگ می‌شود و خود را به کشتن می‌دهد. در این وضعیت، ترس از نابود شدن تبدیل به ابزار کار کردن و فعالیت تمام ماشین‌های فاشیستی می‌شود (ص ۲۱).

ترسیم تبار و کارنامه‌ی داعش و خشونت‌هایش را زیباتر از فراز فوق نمی‌شد روایت کرد. صدها نفری که به حکم تعلق به یک جهان‌بینی والا، جهانیان را به سخره می‌گیرند و هیچ ارجی برای جان و خون، مال و حیثیت مخاطب قائل نیستند، به وضوح در قالب

گفتمان بختیار علی قابل فهم است. به زبان بختیار علی «داعش، بعث و تعدادی نام‌های دیگر، ماشین‌های فاشیستی هستند که نیرویشان در این است که در شیوه‌های ناهماهنگ و متضاد ظاهر شوند. در اینجا ساختار کلی از طریق تقدیس تفاوت میان بخش‌های مختلف عمل می‌کند ... فاشیسم عبارت است از خشونت‌ی که هرگز به هدف خود نخواهد رسید و هرگز پیام خود را به طور کامل انتقال نخواهد داد. نیرویی است که همیشه باید خود را در نبردی دیگر به پایان برساند. این نرسیدن به هدف موجب می‌شود نیروهایی به میدان بیایند که در نبرد همیشگی باشند و از نبردی به نبرد دیگر بروند. تنها از این نظر می‌توانیم بفهمیم که چرا نیروهایی مانند حزب بعث و داعش به میدان می‌آیند که نمی‌توانند نجنگند، نمی‌توانند توقف کنند، نمی‌توانند از یک ویرانگری به ویرانگری دیگر نشوند» (ص ۲۶).

عزم فاشیسم شرقی (مورد داعش) برای ساختن و بازآفرینی انسان در طراز نوین، دیگر نبوغ بختیار علی در کتاب است که هم آموزنده است و هم قابل تأیید. در نگاه نویسنده کتاب «داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی»، داعش فقط در پی آن نیست که یک نظام سیاسی خاص را از میان بردارد. بلکه این گروه می‌خواهد تمامی نظم اجتماعی، سیاسی، اخلاقی، جنسیتی و فرهنگی را در هم شکسته و با زیر و رو کردن منطق کلی جامعه، اسلام جدید و خدای جدید و نظام جدیدی بسازد که همگی در خدمت ساخت یک انسان کاملاً نو متبلور شوند. بختیار علی پیشنهاد می‌کند که تنها با انهدام فاشیسم است که می‌توان خشونت داعشی و دیگر خشونت‌های ناسیونالیستی و دینی را از بین برد. «برای اینکه بتوانیم فاشیسم را متوقف کنیم باید ترور هویت را از میان برداریم. ترور هویت دینی، ناسیونالیستی و جنسیتی. باید این خواسته را از یک خواست لیبرالی احمقانه به یک معادله نیرومند میان هویت‌ها و پدیده‌ها از طریق انتخابات تغییر دهیم و آن را به انتقاد شدید از کل نظام کنونی شرقی و اصول بنیادی و عملی آن تبدیل کنیم. همان اصولی که عبارت است از پایمال کردن فرد در زیر فشار هویت‌شان، پایمال کردن انسانیت اسلام‌گرایان در زیر فشار هویت‌شان، پایمال کردن انسانیت ترک‌ها در زیر فشار پان ترکیسم، تغییر پان عربیسم به ابزاری از بین برنده به منظور در هم شکستن انسانیت سوژه‌های عرب. ضدیت با فاشیسم از آنجا آغاز خواهد شد که انسان‌ها به گونه‌ای دیگر، خواسته و هویت خود را تعریف کنند. آغازگاه هر نوع مقابله با فاشیسم، باید نفی هویت‌ها، پیام‌ها و جنگ‌های تقدیس شده باشد» (ص ۲۹).

در یک کلام می‌توان گفت که جبر هویت‌های بزرگ، کانون صدور بحران‌های



گونگونگی است که شرقی‌ها را به ستوه آورده و بختیار علی با تمرکز روی این کانون، روایتی نو و قابل تأیید از رواج خشونت در شرق عرضه می‌دارد. او به جای تمرکز بر وقایع، بر افکار می‌پردازد و اندیشیدن به سیاق دیگر را مقدمه‌ای برای زیستن به روالی متفاوت می‌نگرد.

### ۵. با کدامیک از مطالبی که در کتاب بختیار علی یافتیم مخالف هستیم؟

همان گونه که در ابتدای این مقال خاطر نشان ساختیم، در مواجهه با هر متنی، پاره‌ای موارد قابل تأمل نیز به چشم می‌آید که شایسته است صرفاً در جای خاص خود ذکر شود و مضامین قابل تأمل، یافته‌های درخشان متن را تحت الشعاع قرار ندهد. موارد قابل تأمل، معمولاً یک یا ترکیبی از موارد زیر می‌تواند بود:

۱. تناقض‌گویی مؤلف کتاب و فقدان دستگامی نظری و منسجم (نظریه‌پردازی).
۲. طرح استدلال‌های ضعیف و اکتفا به شواهد و وقایع به جای دلیل (روش‌شناسی).
۳. ابداع یا کار بست مفاهیم چلاق یا بیش فعال و به طور کلی هر مفهومی که یا از عهده ایضاح معنا بر نیاید و یا در اهمیت آن معنی اغراق کند (مفهوم‌شناسی).
۴. تدارک راه درست و میسر برای رهایی از دغدغه یا دامی که به باور مؤلف اهمیت حیاتی دارد (راهبردنگاری).

استوار بر چهار موضوع بالا و به رغم تمامی امتیازاتی که کتاب بختیار علی دارد می‌توان کاستی‌هایی را بری آن برشمرد. این کاستی‌ها موارد استاندارد هستند یعنی پیوندی با جهت‌گیری نویسنده / ناقد ندارند. به عبارت دیگر، مطالبی که به عنوان کاستی در پی می‌آیند نه برخاسته از جهت‌گیری فکری بختیار علی است و نه محصول تعلق خاطر و اندیشه‌ی ناقد. در تأملی بی‌طرفانه بر کتاب بختیار علی، ابهامات، تضادها و ادعاهای پرشماری به چشم می‌آیند که اهم آنها عبارتند از:

### ۵-۱. تکاپوی روشنفکرانه برای فهم یک پدیده‌ی استراتژیک

کار روشنفکر، نقد است، کار دانشمند کشف و ابداع است و کار سیاستمدار، تصمیم مبتنی بر ضرورت. پریدن از یک حوزه به دیگری، زمینه‌ها و احتیاط‌های بسیاری لازم دارد که معمولاً از عهده‌ی غالب افراد بیرون است. کتاب بختیار علی نکته‌های خوبی دارد اما موارد غیر تحقیقی و آزمون‌گریز هم فراوان دارد. تأملات رمانتیک و آرزومندانه در صحنه‌ی عمل استراتژیک، کتاب بختیار علی را از رده‌ی خود خارج ساخته است به

گونه‌ای که این کتاب را نه می‌توان یک نقد روشنگرانه قلمداد کرد چون علاوه بر نقد، تجویز عملی هم کرده است و نه می‌توان این کتاب را یک دستور کار عملیاتی قلمداد نمود برای اینکه لبریز از مفاهیم تفسیرپذیر و ایدئولوژیک (مانند خشونت شرقی، عقل فاشیستی، کمونیسم دادگر، عقلانیت سیاسی کوتاه‌بین، فویبای نابودی، لیبرالیسم بازاری، لحظات رادیکال و ...) است. غلبه‌ی آهنگ ادبی و صرف و نحو بر معنا را می‌توان در جای جای کتاب نشان داد که به بهای قربانی شدن مضمون و معنا فراهم آمده است. این که خشونت شرقی، شکل و تقلیدی نارسا از خشونت در غرب سرمایه‌دار است، عمیقاً مبهم است. بختیار علی به وضوح توضیح نمی‌دهد که کدام بدکارکردی سرمایه‌داری در شرق موجب ظهور داعش شده است. اساساً تلقی شرق به عنوان قالب رشد خشونت داعشی / بعثی و .. محل اشکال عمیق است. چنین بیانی، متضمن اطلاق یک کارکرد خاص به شرق در برابر غرب است. گویی سانحه یا قاعده‌ای در شرق هست که جریان عقلانیت را آلوده می‌کند.

تکریم هویت یا تعطیلی آن، هر دو از کتاب بختیار علی مستفاد می‌شود. وی از یک سو خواهان انهدام هویت‌گرایی ازلی و ابدی است و از سوی دیگر از آزادسازی هویت‌های قومی، جنسیتی و دینی پیروان و متعلقین حرف زده است. یعنی اقلیت‌های دینی، مذهبی، قومی و حتی جنسیتی نمی‌دانند که سخن بختیار علی تا چه اندازه می‌تواند به حذف یا احیای هویت آنها منتهی شود. به عبارت روشن، این گونه استنباط می‌شود که هویت‌گرایی حرکتی ضد عقلانی و خشونت‌گراست اما خود نویسنده در فراز پایانی اثر خویش خواهان آزادسازی هویتی می‌شود و حصر هویتی را عملی نامشروع و غیر قابل توجه می‌شمارد.

## ۲-۵. تحلیل دترمینیستی خشونت

بختیار علی آنجا که از صدور خشونت از سوی دستگاه سرمایه‌داری سخن می‌گوید نویدبخش سخنی تازه است و انتظار این بود که از استحاله‌ی سوژه زیر امواج قانون، رقابت، مافیا و رسانه صحبت شود اما به رغم این انتظار، بختیار علی در واقع در خصوص دلیل اصلی خشونت داعشی حرف روشنی ندارد. یعنی اگر عده‌ای خشونت ارتكابی داعش را به انتقام، تصمیم عقلانی، شریعت یا رقابت بین نیروهای مضطرب (مانند سنی‌های عرب عراق یا علوی‌های سوریه و حتی اعضای خارجی داعش) نسبت می‌دهند واقعاً معلوم نیست بختیار علی، دلیل این خشونت داعشیان را مشخصاً در چه

چیزی جستجو می‌کند. درست است که او جملات درخشان زیادی در کتاب کار گذاشته است که هر یک، بسیار نورانی‌اند، اما غالب بحث‌های بختیار علی در تبیین خشونت، فقط مکانیسم و پویایی‌های خشونت را تبیین می‌کند نه چرایی و دلایل بنیادین آن را. (ر. ک به آرت ، ۱۳۵۹: ۵۴)

در فصل دوم کتاب که «هویت ابدی / هویت موقت: تلاشی برای خوانش ثبات و تغییر هویت در شرق» نامیده شده، انبوهی از مطالب مبهم و گزاره‌های اثبات‌نشده، تلمبار شده است. واژه‌ی شرق که در پیشانی این فصل قرار گرفته، نخستین ابهام است. بختیار علی معلوم نمی‌کند که مقصودش از شرق کدام منطقه جغرافیایی یا کدامین لحظه‌ی تاریخی است. از توضیحات فصول دیگر، این گونه به نظر می‌رسد که مقصود بختیار علی از شرق، منظومه‌ای غیر غربی است. این تقسیم‌بندی بختیار علی یادآور نقدی است که ادوارد سعید به شرق‌شناسی غربی‌ها وارد می‌داند. به باور سعید، غربی‌ها برای بیان مرجعیت خود جهان را به دو قسمت تقسیم می‌کنند: غرب و بقیه یا همان West & Rest! که اوج تحقیر منظومه‌ای از فرهنگ‌ها، تاریخ و تمدن‌هایی است که قرن‌های متمادی وجود داشته و اتفاقاً در چین و ایران و هند و ژاپن، منشأ پیشرفت‌های مهمی بوده‌اند. وقتی در کتاب بختیار علی از شرق سخن می‌رود معلوم نیست کدام صفحه از دفتر شرق است که مأمّن و مقصد گروه‌های خشونت‌باری چون داعش بوده است.

علاوه بر مفهوم شرق، مفهوم فاشیسم و اطلاق آن بر شرق نیز آکنده به ابهام است. فاشیسم یا پرستش و تقدیس گروه‌های ویژه و برگزیده اختصاص به شرق نداشته است و حداقل این است که خود بختیار علی در خصوص ممیزات این قسم از فاشیسم توضیح نداده است. اگر گفته شود که حکمرانی در شرق مبتنی بر سنت، دین، ایدئولوژی، پدرسالاری، قبیله‌گرایی، استبداد و خاندان‌سالاری بوده، هیچ ایرادی نیست. این قسم حکومت‌ها می‌توانسته‌اند فاشیستی هم باشند اما قرار دادن مفهوم «فاشیسم شرقی» بر جلد کتاب و مبهم رها کردن آن نقصانی بس عظیم است.

خشونت‌بار نامیدن شهرهای بزرگی مانند بیت‌المقدس، کرکوک، بیروت، بغداد و حلب و آمادگی آنها برای انفجار هویتی، یکی از دهها عبارت قابل مناقشه‌ای است که در جای جای کتاب بختیار علی درج و انبوهی از داوری بر روی این مبنای ناصحیح استوار شده است. (Oleary et al , 2005 : 173) جمله خود بختیار علی در این مورد بدین قرار است: «همزمان که شهرها بزرگتر می‌شوند، معماری شهر تغییر می‌کند و جغرافیای جدیدی متولد می‌شود اما شهر مدرن به جای این که بتواند هویت‌های فرعی

را از بین ببرد، قبیله‌ها را در خود ذوب کند، مذاهب را به هم نزدیک کند و ملت‌ها را در کنار هم بنشاند، تبدیل به مکان برخورد و مبارزه و نبرد میان پارادوکس و تضادهای دردناک و تاریک می‌شود. شهر تبدیل به مکانی می‌شود که هویت‌های ابدی آن را به میدان جنگ همیشگی خود تبدیل می‌کنند... در حال حاضر متروپل و کلان‌شهرهای مدرن شرقی گرچه در ظاهر جنب و جوش و تغییر نشان می‌دهند اما در باطن و نهان خود باغچه کشت و احیای احساسات تغییرناپذیر و حافظ هویت‌های ابدی شرقی هستند. در شهرهایی مثل بیت‌المقدس، بیروت، بغداد، کرکوک و حلب، امکان انفجار وجود دارد» (ص ۴۱).

در فراز بالا، بختیار علی به جای تشریح دلایل، شواهد و محصولات را توصیف می‌کند و به جای پرداختن به مقولات تحرک‌بخشی مانند ایدئولوژی منفعت‌خواهی، حامی‌پروری و هویت مذهبی، روی چند شهر چندملیتی و چندمذهبی متمرکز شده، شهرهای شرقی را آبستن خشونت می‌نامد. این در حالی است که بسیاری از شهرها هستند که اتفاقاً به جای برجسته‌سازی و حفظ هویت، یکسان‌سازی و شبیه‌سازی هویتی هم کرده‌اند. شهرهای استانبول، باکو، دوبی، بمبئی، تهران، کوالالامپور، دهلی و ... نیز شهرهایی شرقی‌اند اما آبستن حوادث هویتی نیستند و آنچه هویت‌ها را در مناطقی مانند بغداد و کرکوک رویاروی هم قرار داده نه شهر یا ساختار معماری آن، بلکه اضطراب و هراس ناشی از نابود شدن آن است. به عبارت دیگر، هیچ رشته پیوندی، سیمای پیوند مردم این شهرها نشده است و انسان‌ها فقط و فقط با هویت‌های قومی، نژادی، مذهبی و دینی خود شناخته می‌شوند. به عبارت دیگر، ناسیونالیسم ابتدایی و بدوی (تفاخر به لباس، زبان، رنگ پوست و نژاد) به قدری قوی و ریشه‌دار است که مجالی برای ناسیونالیسم مدنی (اشتراک فکری، دولتی به خاطر ارزش مشترکی چون آزادی بیان) باقی نمانده است. بختیار علی همه این محرومیت‌ها را نادیده می‌گیرد و با نگاهی زلال اما غیر استراتژیک قصد آن دارد همه ناملازمات را با اتکا بر هویت تشریح کند. غافل از آن که خود هویت‌خواهان آتشین هم قربانی نوعی تحقیر، کینه، تبعیض و آگاهی کاذب و مخدودش هستند. هویت‌خواهی خام و انکارگرا هنگامی رونق می‌گیرد که قانون‌های بازتولیدکننده و تهییج‌کننده‌ی آن همواره فعال باشند و قانون‌ها یا مراکز تعدیل‌کننده و انتقادی آن ضعیف و غایب باشند. کودک یتیمی که از قندهار به پاکستان و در نهایت به سوریه گسیل می‌شود به حکم هویت‌خواهی انتحار نمی‌کند بلکه او توسط قانون‌های ثروت، ایدئولوژی و قدرت سیاسی اجیر شده است تا بعد از

«داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی»؛ تأملی انتقادی در ... ۳۰۷

شست و شوی مغزی به بهشت افسانه‌ای برسد. عجیب این که محافل مدیریت عملیات‌های انتحاری، بعد از اینکه کسی را استخدام و به هدف مورد نظر می‌کوبند باز هم رهایش نمی‌کنند و این بار با شهید نامیدن او، از کودکان و نوجوانان دیگر می‌خواهند راه آن شهید سعید را ادامه دهند. بختیار علی دست‌های پنهان در پشت این هویت‌خواهی را هیچ می‌گیرد و در عوض از صف‌آرایی هویت‌ها در مقابل هم را منشأ خشونت می‌شمارد.

## ۶. نتیجه‌گیری

کتاب داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی در عداد معدود آثار متاملانه در باب ریشه‌های پدیداری خشونت در منطقه خاورمیانه و حتی نیمکره شرقی عالم است. جسارت و صراحت نویسنده کتاب در ترکیب انواع نظریه‌ها و روش‌ها بسیار شایان توجه است. او به طرز توجه برانگیزی نظریه‌های پیچیده‌ای مانند لکان، هگل، ژیاک و مارکس را در هم آمیخته و چنین نتیجه می‌گیرد که داعش سرباز فراری کاپیتالیسم پادگان‌نست که خود غریبها فرماندهی آن را بر عهده دارند. متأسفانه این ادعای بزرگ بدون ارجاع کافی و صرفاً با تکیه بر تفحص و تامل شخصی نگارنده به کتاب بدل شده و هیچ استدلالی در چرایی رجوع به این متفکران یا متد کاربست آن افکار بر این تحول عظیم ارایه نشده است. علاوه بر آن، نویسنده تصریح نمی‌کند که مقصودش از بهره‌گیری از واژگان بزرگی مانند خشونت شرقی و عقل فاشیستی چیست! رویکر کتاب در جست و جوی ریشه‌هایی تازه و بکر برای گروه‌های خشونت‌باری مانند داعش، قابل تحسین است اما لازم بود که دلیل و روش چنین اتصالاتی، استدلال شود. مترجم محترم کتاب نیز با ارایه ترجمه‌ای پاکیزه و دقیق کوشیده است فکر بختیار علی را به مخاطب ارایه کند اما گزینش برخی گفت و گوها و مقالات دیگر بختیار علی که در مورد موضوعات و مباحثی دیگر هستند کمکی به ابهامات نهفته در افکار بختیار علی نمی‌کند. این کتاب، سخت است چون موضوعی کاملاً استراتژیک در ژانری ادبی و روشنفکرانه نگاشته شده و به همان اندازه که برای اهل ادبیات داستانی و رمان جذاب است در نگاه استراتژیست‌ها، نگاهی رمانتیک به مساله‌ای ماکلاً ملموس و زمینی است.

پی‌نوشت

۱. بختیار علی در سلیمانیه عراق و در سال ۱۹۶۱ متولد شد، در سال ۱۹۸۴ در رشته‌ی زمین‌شناسی دانشگاه سلیمانیه پذیرفته شد. او غالباً در حوزه‌ی رمان، نقد سانسور و ادبیات جنگ قلم زده است. غروب پروانه، آخرین انار دنیا، مرگ تک فرزند دوم، غزل‌نویس و باغ‌های خیال، آیا با لکان می‌توان انقلابی بود؟، نردبانی در غبار، قصر پرندگان غمگین، شهر موسیقی‌دانان سفید از جمله آثار بختیار علی هستند. وی دهها مقاله در نقد و شرح و تفسیر مسائل اجتماعی روزمره به چاپ رسانده است. ترکیب نظریه‌های سیاسی و تأملات ادبی با مباحث روز (مانند داعش و کارهای خشونت‌بارش) کارهای بختیار علی را بسیار خواندنی کرده است. علاوه بر این، تجربه‌ی زیسته‌ی بختیار علی، نگاه او را متمایز می‌سازد. تجربه شخصی او ژانر بسیاری از کارهایش را تشکیل می‌دهد. زیستن در خانواده‌ای شلوغ و پرتعداد، مشاهده‌ی سانسور و تعقیب و محاکمه و مباران و آوارگی و نیز تجربه‌های شخصی دیگر، کتب و مقالات بختیار علی را بارور کرده و آنها را از آرایش‌های تصنعی مصون ساخته است. کتاب حاضر (داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی) را می‌توان مرامنامه‌ی بختیار علی تلقی کرد. او به شرحی که پیش روی شماست برداشت خودش از ریشه‌ها و آینده‌ی بحران را روایت کرده است.

۲. کوبانی یا عین‌العرب (در زبان عربی) در شمال شرق حلب و شانه شرقی رود فرات واقع شده است. این شهر فقط دو کیلومتر با نقطه‌ی صفر مرزی ترکیه - سوریه (حلب) فاصله دارد. جمعیت این شهر بالغ بر ۵۰۰۰۰ نفر است. در سپتامبر ۲۰۱۴، داعش برای اتصال به مرز ترکیه تصمیم گرفت کوبانی را تصاحب کند و به همین خاطر محاصره این شهر آغاز شد. مهم‌ترین گروه مدافع در کوبانی، یگان‌های مدافع خلق بودند که با مشی چریکی و خاستگاه کردی، مقابل داعش ایستادگی کردند. جمعیت بی‌امان نیروهای ائتلاف از هوا و مقاومت شایان تحسین یگان‌های مدافع خلق و سایر کردهای منطقه در روی زمین، داعش را وادار به عقب‌نشینی کرد. مبارزان کرد کوبانی ویژگی‌های داشتند که آنها را از دیگر رزمندگان ضد داعش متمایز می‌کرد: حضور فعال زنان در خط مقدم، درگیری کوچک به کوچک با داعش و بالاخره نترسیدن از خشونت‌های خوفناک داعشی، نیروهای مدافع کوبانی را به نماد کردی ایستادگی در برابر داعش بدل ساخت. مقاومت کردها که با پشتیبانی وجدان جهانی همراه بود به اضافه‌ی رسوایی بین‌المللی داعش، دست به دست هم داده و بحران در کوبانی را جهانی کردند. علاوه بر این، بحران اشغال و بازپس‌گیری کوبانی در عصر دیجیتال صورت گرفت. به کمک این رسانه‌های ارزان و گسترده، وجدان کردهای مقیم در اقصی نقاط جهان، به هم نزدیک شد و این تجربه نشان داد که حس هویت‌خواهی، همچنان فعال و قدرتمند است. پشتیبانی فکری، عاطفی و مالی کردهای

«داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی»؛ تأملی انتقادی در ... ۳۰۹

عراق و ترکیه، مبارزان کوبانی را مصمم کرد تا مقابل داعش ایستادگی کنند. در پرتو این تجربه بود که جنگ کوبانی جهانی شد و به موضوع مباحثه بین متفکران کردی بدل گردید. ۳. لایب گرینفلد در مقاله ای با عنوان ملی گرایی: پنج راه به سوی مدرنیته، نقش مدرنیته در شکل گیری هویت و ملیت را تشریح نموده است. رجوع کنید به :

Greenfield Liab , 2000 Nationalism : Five road to Modernity , Pub in : Nationalism : Critical Concepts in Political Science , ed by John Hutchinson & Anthony Smith , New York & London , Routledge , , pp.558-587.

۴. هانا آرنت در کتابش (خشونت، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۹، ص ۵۴) به نقل از هارولد لاسول (تاملاتی در باب خشونت، ۱۹۰۶) نقل می کند: بحث در باب خشونت، همچنان بسیار تاریک مانده است. به نقل از رایت میلز هم آورده است که: سیاست سراسر مبارزه ایست برای کسب قدرت، و بالاترین نوع قدرت، سیاست است. استیفن ریچر و نیک هاپکینز در خود و ملت (۲۰۰۱) شیوه شکل گیری یا شکل دادن به دیگری را شرح داده است. او این سوال را مطرح می کند که چه اتفاقی می افتد که ما عده ای را دگر تلقی و تعریف می کنیم.

Stephen Reicher & Nick Hopkins , Self and Nation , London : Sage Publications , 2001 , p p.62-65.

برندان اولیری به همراه جان مک گاری و خالد صالح، با بررسی میدانی شهر کرکوک، گذشته و آینده این شهر را مورد کاوش علمی قرار داده اند. این سه بر خلاف بختیار علی، با مطالعه روندهای جاری در کرکوک سناریوهای ممکن و محتمل را ارائه کرده اند. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به :

Brendan , Oleary , John McGarry & Khaled Saleh (eds)(2005) , The Future if Kurdistan in Iraq , Philadelphia , University of Philadelphia press.

### کتابنامه

آرنت، هانا (۱۳۵۹)، خشونت، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران: خوارزمی.  
علی، بختیار (۱۳۹۴)، داعش: خشونت شرقی و نقد عقل فاشیستی، ترجمه سردار محمدی، تهران: نشر مرکز.

Brendan , Oleary , John McGarry & Khaled Saleh (eds)(2005) , The Future if Kurdistan in Iraq , Philadelphia , University of Philadelphia press.

۳۱۰ پژوهش‌نامه انتقادی، سال هجدهم، شماره ششم، شهریور ۱۳۹۷

Greenfield Liab ,( 2000 )Nationalism : Five road to Modernity , Pub in : Nationalism  
: Critical Concepts in Political Science , ed by John Hutchinson & Anthony  
Smith , New York & London , Routledge.

Stephen Reicher & Nick Hopkins( 2001) Self and Nation , London : Sage  
Publications .